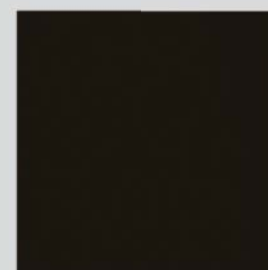
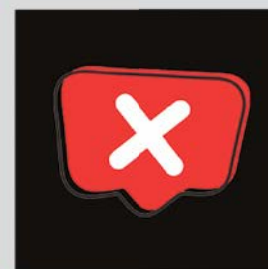
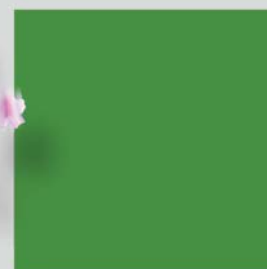


# مشترک



علی کاشانی:

اگرچه در فرهنگ عمومی تصور بر این است که مردان عامل آزار هستند اما در عمل، مواردی از همسرآزاری توسط زنان هم مشاهده می‌شود که گاه به شکل پنهانی‌تری صورت می‌گیرد



در فرهنگ عمومی معمولاً تصور بر این است که مردان عامل آزار هستند اما در عمل،

مواردی از همسرآزاری توسط زنان هم مشاهده می‌شود که گاه به شکل پنهانی‌تری

صورت می‌گیرد. بنابراین، قانون و جامعه باید بدون پیشداوری، از هر قربانی همسرآزاری، صرف‌نظر از جنسیت حمایت کنند. وی با اشاره به انواع

همسرآزاری رایج در ایران، اظهار می‌کند: آزار جسمی یکی از این موارد است که

شامل ضرب و جرح، هل دادن، کتک زدن، آسیب با اشیاء یا محدود کردن فیزیکی فرد

مقابل می‌شود. این نوع، قابل مشاهده‌ترین شکل همسرآزاری است و در قانون مجازات اسلامی

تحت عنوان جرم قابل تعقیب کیفری است. مورد بعد، آزار روانی یا روحی است مثل تحقیر، توهین، تهدید، بی‌توجهی عمدی، منزوی کردن یا سرزنش‌های مداوم. این نوع آزار تأثیر عمیق‌تری بر سلامت روان فرد دارد و

معمولاً سخت‌تر قابل اثبات است اما می‌تواند مصداق «عسر و حرج» باشد و در طلاق یا حمایت قانونی لحاظ شود. مورد دیگر، آزار عاطفی است که شامل عدم ابراز محبت، طرد عاطفی یا بازی با احساسات طرف مقابل

می‌شود. گاهی ممکن است یکی از زوجین به عمد سردی عاطفی نشان دهد که باعث فشار سنگین روحی بر همسرش شود. وی می‌افزاید: نوع دیگر از همسرآزاری، آزار کلامی مثل ناسزاگویی، فریاد زدن، تحقیر در جمع

یا استفاده از لحن‌های خشونت‌آمیز است. این نوع نیز اگر مستمر و مؤثر باشد، می‌تواند از دلایل حقوقی برای درخواست طلاق یا برخورد قانونی باشد. آزار اقتصادی، شامل ندادن خرجی، کنترل شدید بر مسائل مالی یا

محروم کردن از منابع اقتصادی نیز یکی دیگر از این موارد است که هم زن و هم مرد ممکن است قربانی این نوع آزار شوند. برای مثال، زنی که درآمد دارد اما همسرش مدیریت همه اموال را به زور کنترل می‌کند یا مردی که همسرش با تهدید مالی او را تحت فشار قرار می‌دهد. مورد دیگر، آزار جنسی همچون اجبار به روابط جنسی

بدون رضایت، تحقیر جنسی یا رفتارهای خشن در این زمینه بوده که هم از نظر شرعی و هم قانونی ممنوع است و در صورت اثبات، قابل پیگیری است.

کاشانی در پایان تأکید می‌کند: همسرآزاری محدود به یک جنس خاص نیست. هم مردان و هم زنان ممکن است در نقش قربانی یا آزاردهنده قرار گیرند و برای درمان این آسیب اجتماعی، نیاز به رویکردی بی‌طرفانه،

آگاهانه و جامع وجود دارد.

## حمایت قانون از قربانیان همسرآزاری

نظریه  
وکیل

**علی کاشانی، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری** با اشاره به تمهیدات قانونی در بحث همسرآزاری می‌گوید: قانون ایران با وجود این که اصطلاح «همسرآزاری» را به طور صریح تعریف نکرده اما از طریق مقررات مختلف در قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و نیز آیین دادرسی کیفری، امکان پیگیری و مقابله با این پدیده را فراهم کرده است. مثلاً در مواردی که همسرآزاری جسمی باشد، با استناد به مواد مربوط به ضرب و جرح عمدی، فرد مرتکب تحت پیگرد قرار می‌گیرد. در مورد همسرآزاری روانی نیز، در صورت اثبات، می‌توان با استناد به سوء رفتار مستمر یا ایجاد عسر و حرج، برای حمایت از زن یا شوهر متضرر اقدام قانونی انجام داد. وی با اشاره به راه‌های مواجهه با همسرآزاری، می‌افزاید: راه‌های قانونی متعددی برای مقابله با همسرآزاری در اختیار قربانی قرار دارد؛ از جمله می‌توان به ثبت شکایت کیفری علیه فرد آزاردهنده در دادسرا، درخواست صدور حکم، منع تماس یا نزدیک شدن از سوی مقام قضایی، طرح دعوی طلاق یا فسخ نکاح در صورت احراز عسر و حرج ناشی از آزار، مطالبه مهریه، نفقه و اجرت‌المثل به عنوان حقوق مالی زوجه، ارجاع به مراکز مشاوره خانوادگی جهت بررسی امکان سازش یا درمان رفتاری، اشاره کرد.

عضو کانون وکلای دادگستری مرکز بیان می‌کند: طلاق یکی از نتایج احتمالی همسرآزاری است اما لزوماً تنها راه حل نیست. در بسیاری از موارد، اگر آزار ناشی از مشکلات رفتاری، روانی یا فرهنگی باشد، با مداخله مشاور، مددکار اجتماعی یا حتی الزام به شرکت در دوره‌های اصلاح رفتاری، می‌توان جلوی فروپاشی خانواده را گرفت. قانون‌گذار نیز در برخی موارد، پیش از صدور حکم طلاق، طرفین را به داوری یا مشاوره ارجاع می‌دهد اما در مواردی که سلامت جسمی و روانی یکی از طرفین در خطر باشد، طلاق می‌تواند یک راه حل نجات‌بخش تلقی شود. کاشانی بر این باور است، همسرآزاری معمولاً ریشه در عوامل مختلفی دارد از جمله: تربیت نادرست خانوادگی و فرهنگ نابرابر جنسیتی، فشارهای اقتصادی و اجتماعی، مشکلات روحی و روانی درمان نشده و نبود آموزش‌های لازم پیش از ازدواج دارد و ادامه می‌دهد: البته برای مقابله با آن باید چند اقدام همزمان صورت گیرد که شامل آموزش مهارت‌های زندگی و کنترل خشم در سطوح مختلف جامعه، افزایش آگاهی‌های حقوقی افراد نسبت به حقوق و وظایف‌شان در زندگی زناشویی، تسهیل دسترسی به خدمات روان‌شناسی و مددکاری، تشدید مجازات آزاردهندگان در صورت تکرار یا شدت عمل، می‌شود.

این وکیل دادگستری خاطرنشان می‌کند: واقعیت این است که همسرآزاری یک مسأله دوطرفه است. اگرچه